

وضع مالیات بر مهریه و آثار آن بر نهاد خانواده

Levying Tax on Marriage Portion and Its Effects on Family Institution

M. Mozaffari, B.C. ✉

مصطفی مظفیری ✉

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران

Abstract

Purpose: This research investigates marriage portion and its influence on family institution.

Methods: This paper is a descriptive analytical research which comparatively studies this issue in viewpoint of lawyer and Islamic Jurist.

Conclusion: Taxation on marriage portion is not only originated from Islamic jurisprudence but also it is contrary to famous view of Islamic jurist because parties in this contract (marriage) can agree on marriage portion on the basis of their consent. It seems that government because of encouraging younger person to get marriage and prevention of escalation

چکیده:

این پژوهش به منظور بررسی وضع مالیات بر مهریه و آثاری که بر نهاد خانواده بر جای خواهد گذاشت، انجام شده است. این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است که به مطالعه تطبیقی موضوع از نگاه فقها و حقوقدانان می‌پردازد.

وضع مالیات برای مهریه‌های بالاتر از حد متعارف، ریشه در دیدگاه‌های فقهی ندارد و حتی با دیدگاه مشهور در فقه ناسازگار است؛ زیرا به باور فقها، طرفین عقد نکاح در تعیین میزان مهر آزادند و به نظر می‌رسد دولت برای جلوگیری از افزایش میزان مهریه و کاهش سن ازدواج جوانان به تنظیم چنین ماده‌ای اقدام کرده و آن را به پیکره نظام حقوقی چسبانیده است.

✉Corresponding author: Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran
Tel: +9821-29902364
Fax: --
Email: mostafamozafari2004@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران - دانشگاه تهران - دانشکده حقوق
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۴ - دورنما: --
پست الکترونیک: email: mostafamozafari2004@yahoo.com

of marriage portion has provided this provision. It is inferred from civil code, constitution and Islamic jurisprudence that the government is not allowed to inter and interfere in these kinds of issues, therefore article 25 will not be valid for these reasons.

Discussion: Moral principal in family, as one of the most important institution, have special status and influence on destination of society members. In order to pass mandatory law, particularly family law, legislator should consider moral and religious rules and customs. This kind of legislation has negative consequences. In accordance with Article 25, Family Protection Draft Bill, economy ministry must levy tax on unreasonable marriage portion. Regardless of existence of vagueness in this act, passing this act have been resulted in removing the logic order of this Draft Bill, e.g. and some obvious conflicts are revealed; for article 25 and note of article 23. At present, the question which arises is that whether this provision is consistent with legal principal of family law, and in conflict between Article 25 and 23 which article is preferred.

Keywords: marriage, marriage portion, tax, family law, freedom of contract, moral principal.

با تدقیق در دیدگاه‌های فقها، مواد قانون مدنی و قانون اساسی روشن می‌گردد که دولت نمی‌تواند در چنین حیطه‌ای وارد شود و ماده ۲۵ از وجاهت فقهی و حقوقی لازم برخوردار نیست.

خانواده به‌عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین نهاد اجتماعی که قواعد اخلاقی در آن جایگاه ویژه‌ای دارد نقش به‌سزایی در سرنوشت افراد جامعه دارد و هرگونه تغییر و تحولی در این نهاد در کل جامعه تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین، قانون‌گذار نمی‌تواند بدون توجه به قواعد اخلاقی و مذهبی و عادات و رسوم به وضع قوانین به ویژه قوانین آمره در حوزه خانواده همت گمارد؛ زیرا وضع چنین قوانینی پیامدهای ناگواری بر نهاد خانواده می‌گذارد.

مطابق ماده ۲۵ لایحه حمایت خانواده، وزارت اقتصاد و دارایی موظف است که بر مهریه‌های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی، مالیات وضع نماید و صرف نظر از ابهام‌های موجود در این لایحه، شتاب قانون‌گذار در تدوین آن موجب شده است تا نظم منطقی میان مواد هم از بین برود و در برخی موارد تعارض‌های آشکاری نیز پدید آید که وضع تبصره ماده ۲۳ و ماده ۲۵ این‌گونه است. اکنون پرسش این است که آیا چنین حکمی با اصول حاکم بر حقوق خانواده تعارض دارد یا سازگار است و در تعارض تبصره ماده ۲۳ و ماده ۲۵ جانب کدام یک را باید گرفت؟

کلیدواژه‌ها: نکاح، مهریه، مالیات، حقوق خانواده، آزادی قراردادهای، قواعد اخلاقی.

مقدمه

ورود قانون و حقوق به قلمرو خانواده هر چند ناخوشایند و نامطلوب، گاه اجتناب‌ناپذیر است. خانواده، کانونی است که در آن مهر و محبت و فداکاری و ایثار نقش اصلی را ایفاء می‌کند، ولی حقوق به دنبال احقاق حق و اجرای عدالت و نظم و ترتیب دادن امور است. بنابراین فداکاری و مهر و

محبت را نمی‌توان در قالب‌های حقوقی گنجانده و زن و شوهر را ملزم به رعایت آن کرد چرا که قواعد حقوقی در مواجهه با خانواده، ناتوان‌تر از آن است که بتواند به آن نظم و نسقی بدهد. البته گاه برخی از افراد را جز به اجبار نمی‌توان به کاری واداشت یا از ترک آن جلوگیری کرد و شاید درباره چنین افرادی تنها قواعد و مقررات قانونی، حداقلی از نظم و عدالت را مستقر سازد. ولی این امر نباید منجر به این شود که، قواعد حقوقی، به‌عنوان «آخرین و ناقص‌ترین حربه»، را جایگزین قواعد اخلاقی و اصول انسانی حاکم بر نهاد خانواده کرد.

در مقدمه توجیهی لایحه پیشنهادی قوه قضائیه تحت عنوان لایحه «حمایت خانواده» که در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۳ با تغییرات و اضافاتی در ۵۳ ماده به تصویب دولت رسیده است بر نقش و جایگاه ویژه نهاد خانواده در نظام حقوقی و تربیتی اسلام تأکید شده و هدف از تنظیم این لایحه، مرتفع نمودن کاستی‌ها و نواقص موجود در قوانین حاکم بر نهاد خانواده و منطبق نمودن آن‌ها با واقعیات روز ذکر گردیده است.

آنچه که در این مقدمه توجیهی در خصوص کاستی‌ها و نواقص موجود در قوانین مرتبط با نهاد خانواده آمده است کاملاً صحیح بوده و با اندک بررسی این امر آشکار می‌گردد و جای بسی خوش‌بختی است که بعد از سال‌ها دولت به این امر مهم رسیده است. اما با توجه به محتویات آن بعید به نظر می‌رسد که این لایحه بتواند موجب مرتفع نمودن کاستی‌ها و نواقص موجود در این خصوص و منطبق نمودن آن‌ها با واقعیات روز باشد. پر واضح است که این لایحه حاوی نکات و جهت‌گیری‌های مثبتی نیز باشد.

قانون‌گذاری در خصوص نهاد مهمی چون خانواده مستلزم توجه بیشتر و دقیق‌تر می‌باشد؛ چراکه هرگونه تغییر و تحولی در قوانین موجود بدون پشتوانه‌های دقیق علمی و اخلاقی، اثرات مخربی در جامعه خواهد گذاشت. انتظار این بود که در تهیه و تنظیم و تدوین این لایحه از نتایج علوم مختلف و بررسی‌ها و پژوهش‌های علمی و واقعیات اجتماعی حداکثر استفاده صورت گیرد؛ چراکه پس از سال‌ها تأخیر، دیگر در حوزه قانون‌گذاری به شیوه آزمون و خطا نباید عمل کرد که بارزترین نمونه این شیوه حذف دادرها و احیاء مجدد آن بود. از این‌رو شایسته است در تصویب این لایحه توجه ویژه‌ای صورت گیرد.

از کلیت لایحه چنین به‌دست می‌آید که دولت در تنظیم برخی از مواد و از جمله وضع مالیات بر مهریه، خواسته از خود سلب مسئولیت کند. دولت در ماده ۲۵ لایحه، وزارت اقتصاد و دارایی را موظف نموده است که از مهریه‌های غیرمتعارف مالیات دریافت نماید، در حالی‌که با چنین قواعد دستوری نمی‌توان از افزایش مهریه‌ها جلوگیری نمود؛ زیرا ریشه افزایش مهریه‌ها در جای دیگری است و عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و حقوقی در این زمینه مؤثرند. بنابراین دولت به جای این‌که به شناسایی و از میان برداشتن این عوامل اهتمام ورزد با تصویب یک چنین مقرره‌ای قصد دارد که از

افزایش مهریه‌ها جلوگیری کند و بدین ترتیب وظایف و مسئولیت‌های خود در زمینه نهاد خانواده را یکسره به کناری نهاده و تنها دغدغه‌اش بدون رفع عوامل افزایش مهریه جلوگیری از افزایش آن است.

اکنون باید دید ماده ۲۵ لایحه تا چه اندازه با دیدگاه‌های فقهی که منبع اصلی حقوق خانواده است، همخوانی دارد و تصویب آن چه آثاری بر نهاد خانواده خواهد گذاشت؟

تعریف مهر

مهر که به آن صداق و کابین نیز گفته می‌شود، عبارت از مالی است که به هنگام عقد ازدواج از طرف مرد به زن پرداخت یا در ذمه او قرار می‌گیرد که پس از عقد بپردازد. به عبارت دیگر، مهر، مالی است که زن در نتیجه ازدواج مالک آن گردیده و مرد ملزم به پرداخت آن می‌گردد. از نظر فقهی مهمترین دلیل الزام مرد به پرداخت مهر آیه: «و آتو النساء صدقاتهن نحله»، کابین و مهر زنان را که عطیه و پیشکش است به آنان بدهید (سوره نساء: آیه ۴)، می‌باشد. از نظر حقوقی نیز الزام مرد به پرداخت مهر ناشی از حکم قانون بوده و ریشه قراردادی ندارد، از این رو در صورت عدم ذکر مهر یا حتی توافق به عدم مهر، تکلیف مرد را در این خصوص از بین نمی‌برد (مستنبط از ماده ۱۰۸۷ ق.م). گرچه نکاح از عقود غیرمالی است، اما برخی از آثار آن از جمله مهر، جنبه مالی دارند. وجود مهر در نکاح با توجه به مالی بودن آن و این‌که بعضاً ضوابط و قواعد حاکم بر قراردادهای مالی نسبت به آن جاری می‌گردد ممکن است این تردید را ایجاد نماید که مهر به منزله عوض در عقود معوض است. به عبارت دیگر، ممکن است گفته شود رابطه مهر با تمکین زن، همانند رابطه عوض و معوض در عقود مالی است. با وجود این در پاسخ باید گفت: زن در برابر مهر خود را نمی‌فروشد؛ چرا که انسان همیشه طرف حق است نه موضوع حق. از سوی دیگر در عقود معوض، عوضین باید به هنگام عقد، معین و معلوم باشند وگرنه معامله باطل است، در حالی‌که در نکاح دائم، مهر شرط صحت عقد نیست و ممکن است عقد بدون تعیین مهر و یا حتی به شرط عدم پرداخت آن واقع شود بدون این- که به صحت عقد خللی وارد آید (ماده ۱۰۸۷ ق.م). همچنین در صورتی که توافق به مهر تعیین شده به دلایلی باطل باشد، مانند این‌که مالی را به‌عنوان مهر تعیین کنند که قانوناً قابل تملک نیست، فساد مهر به عقد سرایت نخواهد کرد (ماده ۱۱۰۰ ق.م).

مهر را برحسب این‌که به تراضی طرفین تعیین شده باشد یا خیر به سه قسم تقسیم می‌گردد: مهرالمسمی، مهرالمثل و مهرالمتععه.

وضع مالیات بر مهریه و آثار آن بر نهاد خانواده/۵۵۷

دیدگاه‌های فقها و حقوقدانان در خصوص میزان مهرالمسمی

دیدگاه فقها: به دیدگاه فقها روشن می‌سازد که برخی از آنان تنها بر آن بوده‌اند که حداکثر میزان مهرالمسمی ۵۰ دینار (۵۰۰ درهم) است و طرفین عقد نکاح نمی‌توانند بیش از این مقدار را به عنوان مهریه قرار دهند. سید مرتضی از جمله این فقها است و در کتاب انتصار بر این مهم تأکید کرده^۱ و بر آن است چنانچه بیش از این مقدار، مهریه‌ای تعیین شود مازاد باید مسترد شود (محقق حلی، بی‌تا). ولی فقهای دیگر بر نقش توافق طرفین عقد نکاح در تعیین مهر توجه بیشتری کرده، آزادی آنان را تأیید می‌کنند. بدین ترتیب، دیدگاه پیشین از رونق افتاده و در گام نخست برخی از فقها تعیین مهر بیش از ۵۰ دینار را مکروه دانستند (شهید اول، بی‌تا) و بالاخره، دیدگاه سید مرتضی کاملاً مهجور گشته و به صورت «قیل» در میان فقهای دوره‌های بعد نقل و قول شد (علامه حلی، بی‌تا). به باور برخی از فقهای معاصر، تراضی زن و شوهر در تعیین مهر، معیار بوده ولی مستحب است که زیاده‌تر از مهرالسنه نباشد (امام خمینی، بی‌تا). صاحب جواهر نیز عنوان می‌کند که در تعیین مهرالمسمی بیش از مهرالسنه منعی وجود ندارد و به اطلاق و عموم ادله استناد کرده است (نجفی، بی‌تا). در کتاب وسائل الشیعه نیز در ذیل عنوان «جواز زیاده المهر عن مهرالسنه» آمده است: «عن ابی جعفر (ع) قال: الصداق ما تراضیا علیه قل او کثر» (حر عاملی، ۱۳۶۷).

آیت‌الله العظمی صانعی نیز در استفتایی که از ایشان شده فرموده‌اند: با توجه به وجوه کثیره‌ای مانند آیاتی از قرآن و سنت و روایات معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) و سیره عملیه که صاحب جواهر (قدس سره الشریف) در کتاب النکاح از کتاب گران‌سنگ جواهرش به آن‌ها برای عدم حد در کثرت و زیادی مهر، استدلال فرموده و این‌که حدّش در قَلت و کثرت حسب روایات عدیده، تنها و تنها رضایت زوجین است که تقریباً عناوین آن وجوه به دوازده وجه باز می‌گردد (وگرنه محتوا و تفصیل آن‌ها حدوداً بیش از بیست آیه و روایت و درایت و تاریخ می‌باشد). اگر وضع مالیات به خاطر جلوگیری از قرار دادن مهریه زیاد و به نحو سلب اختیاری که شرع مقدس برای زوجین مقرر فرموده، باشد، غیر مجاز است؛ چرا که خلاف قرآن و سنت و وجوه کثیره معتبره و خلاف مشهور بین فقها است بلکه بر آن ادعای اجماع هم شده: «و لاطاعه لمخلوق فی معصیه الخالق». معلوم است که جعل مالیات بر آن به این قصد و جهت، مخالفی روشن با اختیار الهی و اسلامی زوجین دارد و برای روشن‌تر شدن عدم جواز و حرمت با چنین قصدی می‌توان به نظر فقهی حرمت بیع و فروش انگور و عنب به قصد آن‌که مشتری از آن شراب و خمر بسازد توجه و عنایت نمود که مناط حرمت در آن‌جا در مورد این بحث هم ظاهراً وجود دارد. جالب توجه آن‌که بنا بر آن‌چه که در تاریخ آمده و صاحب جواهر (قدس سره الشریف) هم به آن عنایت نموده و متعرض آن گردیده، بعضی از افراد مقتدر و صاحب نفوذ در اسلام وقتی که تصمیم گرفتند جلوی زیادی در مهر را بگیرند و دستور عدم زیاده و مغالات و بالا رفتن در آن را بدهند، زنی از زنان مسلمان با استناد به آیه ۲۰ سوره نساء که می‌فرماید:

مردی که می‌خواهد زنش را طلاق بدهد و زن دیگری بگیرد حق پس گرفتن چیزی از مهر آن‌ها - که فوق العاده زیاد و کثیر است و از آن تعبیر به قنطار شده - را ندارد، پاسخ او را داد و او هم قبول کرد و در مقابل استدلال آن زن به قرآن تسلیم شد و از تصمیم خود منصرف گردید (صانعی، ۱۳۸۷). بنابراین به نظر مشهور فقها، مهر از جهت کمی یا زیادی، حدی ندارد ولی نه آن قدر کم که قابل تقویم نباشد و در واقع فاقد ارزش باشد و از نظر زیادی نیز محدودیتی برای آن قائل نگردیده و مستندات سید مرتضی نیز با توجه به موارد پیش گفته از درجه اعتبار ساقط است؛ زیرا اولاً در خصوص منع مهریه بیش از مهرالسنة اتفاق نظری در بین فقها وجود ندارد تا بتوان بر آن ادعای اجماع کرد، ثانیاً خبر مستند وی ضعیف بوده و نمی‌تواند مورد استناد واقع شود؛ چرا که با ظاهر قرآن^۲ و اخبار و روایات منقول در فوق مخالف است.

دیدگاه‌های حقوقدانان: دکتر امامی در این خصوص معتقد است: «در قانون مدنی مقداری برای مهرالمسمی معین نشده است و زوجین آزادند و می‌توانند هر مقداری که بخواهند به عنوان مهر در نکاح قرار دهند» (امامی، ۱۳۷۳).

دکتر کاتوزیان نیز بر این باور است: «تعیین مقدار مهر نیز به تراضی طرفین واگذار شده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۲).

دکتر صفایی نیز اظهار می‌دارد: «در حقوق ما برای مهر از نظر مقدار حداقل و اکثری معین نشده است و زوجین می‌توانند آن را با توافق یکدیگر تعیین کنند» (صفایی، ۱۳۸۵).

قانون مدنی نیز در این خصوص در ماده ۱۰۸۰ مقرر نموده است که: «تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است».

بررسی اقوال فوق‌الذکر، دلالت بر این امر می‌نماید که در تعیین میزان و مقدار مهر، معتبرترین معیار، تراضی طرفین بوده و هر آنچه را که زن و شوهر به عنوان مهر تعیین نمودند، صحیح و معتبر می‌باشد.

نقد و بررسی ماده ۲۵ لایحه حمایت از خانواده

در ماده ۲۵ لایحه حمایت خانواده آمده است: «وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف است از مهریه-های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی با توجه به وضعیت زوجین و مسائل اقتصادی کشور متناسب با افزایش میزان مهریه به صورت تصاعدی در هنگام ثبت ازدواج، مالیات وصول نماید. میزان مهریه متعارف و میزان مالیات با توجه به وضعیت عمومی اقتصادی کشور به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به وسیله وزارت امور اقتصاد و دارایی پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد».

بررسی این ماده چند نکته مهم و قابل تأمل را آشکار می‌سازد: هدف دولت از گنجاندن این ماده در لایحه چیست؟ آیا دولت برای وضع مالیات صلاحیت دارد؟ منظور از «مهریه‌های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی» چیست؟ این مالیات بر مهریه از چه کسی گرفته خواهد شد (زن یا مرد)؟ آیا این ماده شامل مهریه‌های مؤجل (مدت‌دار) نیز می‌گردد؟

هدف لایحه: مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف انعکاس این ماده در لایحه خانواده توسط دولت، جلوگیری از افزایش بی‌رویه مهریه‌هاست، زیرا در سال‌های اخیر مقدار و میزان مهریه‌ها رشد قابل توجهی داشته است و به‌عنوان یکی از موانع ازدواج جوانان مطرح گردیده است. در واقع، دولت با هدف کنترل افزایش مهریه‌ها اقدام به وضع مالیات بر مهریه‌های غیرمتعارف نموده است. با وجود این، افزایش مهریه معلول یک علت نیست و با وضع مالیات بر مهریه، بدون شناسایی و مرتفع نمودن دیگر علل افزایش مهریه‌ها از جمله علل اقتصادی، اجتماعی و قانونی نمی‌توان به کنترل افزایش مهریه‌ها امیدوار بود.

به نظر می‌رسد در افزایش میزان مهریه‌ها عواملی مانند این عوامل مؤثر بوده‌اند: مهریه‌های غیرمنطقی شاید به این علت است که زن پس از طلاق دست خالی در جامعه رها نشده و نیازمند و شرمنده نزدیکان خود نگردد (علل اقتصادی - اجتماعی)؛ یا شاید به این علت که زنان دریافته‌اند، قوانین موجود، حمایت‌های لازم به ویژه پس از طلاق را از آنان نمی‌کند (علت قانونی) و ده‌ها شاید دیگر که می‌توانند علت افزایش مهریه‌ها باشند.

آنچه مسلم است این‌که، تا زمانی که وضعیت زنان از نظر اقتصادی، اجتماعی و قانونی بهبود نیابد، چنین راه‌کارهایی کارا نخواهد بود. دولت باید این علل را شناسایی و آن‌ها را مرتفع نماید. چراکه تا زمانی چنین عللی وجود داشته باشند بعید به نظر می‌رسد که وضع مالیات بر مهریه و اقداماتی از این قبیل قادر به کنترل افزایش مهریه‌ها باشند.

صلاحیت دولت در وضع مالیات: دولت در ماده ۲۵ لایحه مقرر نموده است که وزارت اقتصاد و دارایی از مهریه‌های زیاده از حد متعارف و غیرمنطقی مالیات وصول نماید و میزان مالیات نیز با توجه به وضعیت عمومی اقتصادی کشور به موجب آیین‌نامه‌ای است که توسط وزارت اقتصاد و دارایی پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. این در حالی است که به موجب اصل ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون». در واقع به موجب این اصل، مالیات و مقدار و میزان آن را باید قانون تعیین کند نه آیین‌نامه، یعنی دولت نمی‌تواند با آیین‌نامه میزان مالیات را تعیین کند چراکه خلاف قانون اساسی می‌باشد و میزان و مقدار مالیات باید توسط قوه مقننه تعیین گردد. بنابراین اساساً وضع مالیات خارج از صلاحیت دولت می‌باشد.

مهر غیرمتعارف و غیرمنطقی: این اصطلاح مبهم و نارساست و اگر منظور این باشد که یک نرخ به عنوان مهر در سرتاسر کشور اعلام شود، معلوم نیست با چه ضابطه‌ای می‌توان برای تمام نقاط ایران با توجه به فرهنگ‌های مختلف یک مهریه متعارف تعیین نمود و مهریه‌های بیشتر از آن را غیرمتعارف و غیرمنطقی دانست. در حال حاضر معمولاً میزان و مقدار مهریه‌ها در شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک و متوسط و روستاها با هم تفاوت چشمگیری دارد.

اگر دولت بر این عقیده باشد که بخواهد برای تمام کشور یک مهریه متعارف تعیین نماید، مرتکب اشتباه شده است؛ چراکه این امر مسلماً تبعات منفی خود را بر روستاها و شهرهای کوچک خواهد گذاشت زیرا ممکن است مهریه متعارف تعیین شده تفاوت قابل توجهی با مهریه‌های تعیین شده در این مناطق داشته و این خود می‌تواند انگیزه‌ای برای بالاتر رفتن میزان مهریه در این‌گونه مناطق باشد.

از سوی دیگر، حتی در فقه نیز، تراضی طرفین مورد احترام بوده و مشهور فقها به هیچ وجه به حرمت مهریه‌های زیاد یا به وجوب مهریه‌های کم حکم نکرده‌اند. قانون مدنی و حقوقدانان نیز از همین روش پیروی نموده و معیار اصلی در تعیین میزان مهر را تراضی طرفین دانسته و بر آن تأکید نموده‌اند.

مؤدی مالیات: اگرچه در ماده مزبور ذکری از این‌که مالیات از چه کسی اخذ گردد، نشده است، اما آنچه به نظر می‌رسد این است که علی‌الاصول مالیات از کسی گرفته می‌شود که مالی (درآمدی) کسب می‌نماید؛ بنابراین مالیات از مهر از زن گرفته خواهد شد. مهم‌ترین اثر این وضعیت این خواهد بود که زنان از همان آغاز، مهریه‌های خود را برای پرداخت مالیات مطالبه کنند و این در آغاز زندگی منجر به اختلافات زوجین خواهد شد.

مهریه‌های مؤجل و حال: مجمل و مبهم بودن ماده مزبور این تردید را به‌وجود آورده است که آیا فقط از مهریه‌های حال (بدون مدت) مالیات اخذ گردد یا این‌که مهریه‌های مؤجل (مدت‌دار) نیز مشمول این ماده شوند؟ از این‌رو برای روشن‌تر شدن بحث، موضوع در دو فرض مختلف بررسی می‌شود: ماده ۲۵ مهریه‌های حال و مؤجل را در برمی‌گیرد یا فقط مهریه‌های حال را.

ماده ۲۵ مهریه‌های حال و مؤجل را در برمی‌گیرد: هرگاه برای پرداخت مهر، مدت واجلی معین نشده باشد، مهریه حال و در غیر این صورت مؤجل خواهد بود. پیامد پذیرش این نظر که ماده ۲۵ لایحه حمایت خانواده مهر مؤجل را نیز در برمی‌گیرد این است که دیگر زنان تمایلی به این‌که مهرشان مدت‌دار باشد، نداشته باشند؛ زیرا اگر چنین باشد که در همان ابتدا، مالیات از آنان گرفته شود قطعاً زنان نیز مهر خودشان را نقد و حال مطالبه می‌نمایند تا بتوانند از آثاری که قانون بر حال بودن مهر مترتب نموده است، از جمله حق حبس مذکور در ماده ۱۰۸۵ ق.م.ا، استفاده نمایند.

ماده ۲۵ تنها مهریه‌های حال را در برمی‌گیرد: اگر مالیات موضوع ماده ۲۵ تنها از مهریه‌های حال اخذ گردد، ممکن است، زنان به مهریه‌های مؤجل روی آورند، زیرا اعسار شوهر نیز موجب تقسیط مهر حال می‌شود. با وجود این، بعید به نظر می‌رسد که چنین اتفاقی رخ دهد؛ چرا که حال بودن مهریه مشمول ماده ۲۵ شده و پرداخت آن نیز تقسیط می‌گردد. با وجود این، حق حبسی که قانون‌گذار در مهریه‌های حال برای زنان قرار داده است بیش از هر چیزی دارای اهمیت است، هر چند تا به حال کمتر دیده شده که زنان از حق حبس خود استفاده نمایند. ولی اگر روند قانون‌گذاری بدین‌گونه باشد، مسلماً زنان نیز از حداقل حقوق و مزایای قانونی استفاده خواهند نمود و در آغاز زندگی این مهم به بی‌اعتمادی طرفین و حتی جدایی آن‌ها منجر خواهد شد. از سوی دیگر حتی اگر مهریه‌های زنان به صورت مؤجل نیز باشد باز هم به صورت یک‌جا به آن نخواهند رسید؛ چراکه باز هم اعسار مرد موجب تقسیط مهر می‌گردد. بنابراین مؤجل بودن آن نه تنها منفعتی برای آنان ندارد، حتی اگر مشمول ماده ۲۵ نگردد، بلکه یکی از مهم‌ترین حقوق قانونی را نیز به این ترتیب از کف خواهند داد.

صرف نظر از آثاری که بر این دو فرض مترتب می‌گردد از ماده ۲۵ لایحه حمایت خانواده چنین استنباط می‌شود که ماده از پیش گفته مهر مؤجل و حال را در برمی‌گیرد؛ زیرا اطلاق عبارت «مهریه‌های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی» چنین امری را می‌رساند و از سوی دیگر، شمول ماده ۲۵ بر هر دو نوع مهر با هدف دولت از وضع این ماده که کنترل افزایش مهریه‌ها می‌باشد، سازگارتر می‌باشد.

تبصره ماده ۲۳ و آثار آن بر ماده ۲۵

دولت در ماده ۲۳ پس از آن‌که ازدواج مجدد مردان را منوط به اجازه دادگاه پس از احراز توانایی مالی مرد و تعهد اجرای عدالت بین همسران نموده، در تبصره این ماده مقرر نموده است که «در صورت تعدد ازدواج چنان‌چه مهریه حال باشد و همسر اول آن را مطالبه نماید، اجازه ثبت ازدواج مجدد منوط به پرداخت مهریه زن اول است». در واقع به موجب این تبصره چنان‌چه مهریه زن اول حال باشد و آن را مطالبه کند تا زمانی که مرد مهریه وی را نپردازد اجازه ثبت ازدواج مجدد به وی داده نخواهد شد.

در توضیح این تبصره بر خلاف برخی تفاسیر ارائه شده مبنی بر این‌که، چنان‌چه مهریه حال باشد و زن آن را مطالبه کند، به مرد اجازه ازدواج مجدد داده نخواهد شد باید گفت که آن‌چه از نص صریح این تبصره برمی‌آید این است که در صورت اخیر، حال بودن مهریه و مطالبه آن توسط زن، تنها اجازه ثبت ازدواج مجدد منوط به پرداخت مهریه زن اول است به عبارت دقیق‌تر ازدواج مجدد مرد صحیح است و تنها نمی‌تواند آن را ثبت نماید که در این صورت تنها به مجازات مقرر در ماده

۴۴ لایحه حمایت خانواده محکوم خواهد شد. به موجب ماده ۴۴ لایحه حمایت خانواده: «چنان‌چه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی اقدام به ازدواج دائم، طلاق، فسخ و رجوع نماید، ضمن الزام به ثبت واقعه، به پرداخت مبلغ بیست میلیون تا یکصد میلیون ریال جزای نقدی و یکی از محرومیت‌های اجتماعی متناسب محکوم می‌شود». براساس ماده ۴۷ همین لایحه چنان‌چه سر دفتری بدون اجازه دادگاه اقدام به ثبت ازدواج مجدد نماید به انفصال از اشتغال به سر دفتری محکوم می‌شود.

به هر حال تبصره ماده ۲۳ به‌عنوان تنها اهرمی در اختیار زنان قرار گرفته است تا شاید بتوانند با توسل به آن از ازدواج مجدد همسران خود جلوگیری نمایند. البته در این تبصره تنها بر حق مسلم و بدیهی زنان و مطالبه مهریه که در قوانین قبلی نیز وجود داشته، تأکید شده است و چیزی بیشتر از آن مستفاد نمی‌گردد.

پرسشی که در این‌جا قابل طرح می‌باشد این است که آیا وضع این تبصره به این شکل موجب نخواهد شد که افزایش مهریه‌ها شتاب بیشتری بگیرند؟

پاسخ به این سؤال قطعاً مثبت خواهد بود چراکه وقتی تنها یک راهکار، آن هم شاید مؤثر باشد، پیش روی زنان گذاشته شده است مسلماً زنان حداکثر استفاده را از آن خواهند کرد بنابراین نباید انتظار آن را داشت که مهریه‌ها کاهش یا حداقل ثابت بمانند، حتی اگر بر آن مالیات وضع نمایند. بنابراین ملاحظه می‌گردد که دولت در این لایحه دچار یک سر درگمی است. از یک‌سو، به مهریه به عنوان یک ابزار نگریسته است که هر چه مقدار آن بیشتر باشد احتمال این‌که مانعی بر سر راه ازدواج مجدد شوهر ایجاد گردد، بیشتر است و از سویی دیگر قصد کنترل و مبارزه با افزایش آن را دارد، آن‌گونه که از ماده ۲۵ برمی‌آید. امری که به نظر می‌رسد با وضعیت کنونی جنبه ابزاری بودن آن غلبه یافته و روزبه‌روز شاهد فزونی یافتن مهریه‌ها خواهیم بود و بدین‌گونه هدف دولت از وضع ماده ۲۵ به موجب تبصره ماده ۲۳ کارآیی خود را از دست خواهد داد. در واقع هر چند رسیدن به هدف دولت از وضع ماده ۲۵ به خودی خود بعید به نظر می‌رسید، با وجود تبصره ماده ۲۳ رسیدن به چنین هدفی محال و غیرممکن گردیده است.

آثار ماده ۲۵ بر خانواده

وضع ماده ۲۵ لایحه خانواده آثار نامطلوبی بر نهاد خانواده گذاشت، از جمله:

بالا رفتن سن ازدواج: بسیاری از دختران حاضر به ازدواج با مهریه‌های پایین به دلیل مختلف

از جمله نگاه ابزاری دولت به مهریه و... نخواهند شد.

افزایش اختلافات بین زوجین: مطالبه مهریه در بسیاری از خانواده‌ها حتی بعد از چندین سال زندگی مشترک منجر به اختلافات بین زن و شوهر می‌گردد به گونه‌ای که بسیاری از این موارد

منجر به جدایی و طلاق می‌شود. حال در نظر بگیرید که زن در همان آغاز ازدواج مهریه خود را مطالبه نماید.

ایجاد جوّ بی‌اعتمادی بین زوجین: مطالبه مهریه توسط زن و عدم پرداخت آن توسط شوهر موجب می‌گردد که حسن نیت طرفین نسبت به یکدیگر جای خود را به سوءظن بدهد امری که به شدت در روابط زوجین تأثیر منفی خواهد گذاشت.

افزایش مراجعه به دادگاه‌ها و بالا رفتن آمار طلاق: بدیهی است که ایجاد اختلاف آن هم در آغاز زندگی در بسیاری از موارد منجر به مراجعه به دادگاه خواهد شد. معمولاً مراجعه به دادگاه نیز سوءظن طرفین را نسبت به یکدیگر بیشتر و بیشتر کرده به گونه‌ای که به هیچ وجه حاضر به ادامه زندگی با هم نشده و در نهایت منجر به طلاق و جدایی زوجین می‌گردد. علاوه بر این آثار روانی و اجتماعی که دامن‌گیر زن و شوهر و به‌ویژه فرزندان آن‌ها و خانواده‌های طرفین می‌گردد غیرقابل جبران است.

نتیجه

وضع مالیات بر مهریه که در ماده ۲۵ لایحه حمایت خانواده با هدف جلوگیری از افزایش مهریه گنجانده شده است با چالش‌های جدی روبه‌رو است. زیرا اصولاً تراضی طرفین در تعیین میزان مهریه معیاری است که مشهور فقها بر آن اتفاق نظر داشته و حقوقدانان نیز برحسب قوانین و نظرات فقهی بر این عقیده می‌باشند. از سوی دیگر به موجب اصل ۵۱ قانون اساسی، وضع مالیات تنها از اختیارات قانون‌گذار (قوه مقننه) بوده و قوه مجریه نمی‌تواند در این حوزه وارد شود. علاوه بر این‌ها؛ آثاری که وضع مالیات بر نهاد خانواده خواهد گذاشت از قبیل بالا رفتن سن ازدواج، ایجاد جو بی‌اعتمادی بین زوجین و... جبران‌ناپذیر خواهد بود.

بنابراین، با توجه به نظر مشهور فقها که نه مهریه‌های کم را واجب و نه مهریه‌های زیاد را حرام دانسته و معتبرترین معیار را اراده و تراضی طرفین قرار داده‌اند و با در نظر گرفتن اصل ۵۱ قانون اساسی دولت جواز ورود به این بحث را ندارد و ماده ۲۵ لایحه حمایت خانواده فاقد پشتوانه فقهی و حقوقی لازم است.

یادداشت‌ها

۱. ابن ادریس معتقد است: «والصداق ما تراضی علیه الزوجان، مماله قیمة فی شرع الإسلام، و یحل تملکه، قلیلاً کان أو کثیراً، بلا خلاف بین المسلمین، إلا ما ذهب إلیه السید المرتضی فی انتصاره، فانه قال: إذا زاد علی خمسین دیناراً لا یلزم إلا خمسون و الصحیح ما قد مناه، لأن هذا خلاف لظاهر القرآن، والمتواتر من الأخبار، و اجماع أهل الأعصار، لأنه لاخلاف فی أن الائمه الأطهار علیهم السلام، والصحابه والتابعین تزوجوا بأكثر من خمسین دیناراً (ابن ادریس، بی تا).
۲. «و آیتیم احداهن قنطاراً» (نساء: آیه ۱۹).

منابع

الف) منابع فارسی:

- امامی، سیدحسین (۱۳۷۳)، حقوق مدنی، ج ۴، چ ۱۰، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- حائری (شاهباغ)، سید علی (بی تا)، شرح قانون مدنی، ج ۵، تهران: چاپ‌خانه آفتاب.
- صفایی، سید حسن (۱۳۸۵)، حقوق خانواده، ج ۱، چ ۱۰، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صانعی، یوسف (۱۳۸۷) <http://saanei.org/page.php?pg=showistifta&id=546&lang=fa>
- قرضاوی، یوسف (۱۳۸۲)، دیدگاه‌های فقهی معاصر، ترجمه: احمد نعمتی، ج ۲، چ ۲، تهران: نشر احسان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، حقوق مدنی «خانواده»، ج ۱، چ ۶، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶)، حقوق خانواده، چ ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۱)، بررسی فقهی حقوق خانواده، چ ۹، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، نظام حقوق زن در اسلام، چ ۲۷، تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات فقهی حقوقی اجتماعی، ج ۳، چ ۲، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی «ره» و انقلاب اسلامی.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۹)، مباحثی از حقوق زن، چ ۱، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۲)، شخصیت و حقوق زن در اسلام، چ ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قوانین و مقررات مربوط به خانواده.
- لایحه «حمایت خانواده» مصوب ۱۳۸۶/۴/۳ هیأت وزیران.

ب) منابع عربی:

- ابن ادریس (بی تا)، سرائر، جزء دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- بحرانی، شیخ یوسف (بی تا)، حدائق الناظره، جزء بیست و چهارم، چاپ بیروت.
- حر عاملی (۱۳۶۷)، وسائل الشیعه، جزء پانزدهم، چ ۶، چاپ‌خانه اسلامیه.
- شهید اول (بی تا)، اللمعه دمشقیه، ترجمه: علی شیروانی، انتشارات دارالفکر.
- شهید ثانی (۱۳۷۹)، الروضه البهیة، جزء دوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- علامه حلی (بی تا)، قواعد الاحکام، جزء سوم، مؤسسه نشر علوم اسلامی.
- محقق حلی (بی تا)، شرائع الاسلام، جزء اول، چاپ بیروت.
- مروارید، علی اصغر (بی تا)، سلسله الینابیع الفقهیه «النکاح»، مؤسسه فقه الشیعه.
- موسوی (امام خمینی)، روح ال له (بی تا)، تحریر الوسیله، جزء دوم، مؤسسه نشر اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (بی تا)، جواهر الکلام، جزء سی و یکم، چاپ بیروت.